****

[مسائل احکام قبله 1](#_Toc506396392)

[ادامه مسأله 1 (شمارش علامات قبله) 1](#_Toc506396393)

[بررسی استحباب تیاسر 3](#_Toc506396394)

[روایت أول 4](#_Toc506396395)

[روایت دوم 4](#_Toc506396396)

[مسأله 2 (تحصیل ظنّ أقوی) 5](#_Toc506396397)

[مسأله 3 (جواز تحصیل ظنّ برای أعمی) 6](#_Toc506396398)

[مسأله 4 (عدم اعتبار قول صاحب منزل در بحث قبله) 6](#_Toc506396399)

[مسأله 5 (اختلاف اجتهاد با علامات) 7](#_Toc506396400)

موضوع: مسأله 1 تا 5 /مسائل احکام قبله /کتاب الصلاة

## مسائل احکام قبله

## ادامه مسأله 1 (شمارش علامات قبله)

**صاحب عروه در مسأله أول فرمودند**: علامات ظنّی تشخیص قبله زیاد است و برخی از این موارد را نام برد مثل استدبار جدی در ایران و عراق، یا محرابی که معصوم علیه السلام در آن نماز خوانده است یا قبر معصوم علیه السلام یا قبله مسلمین در مساجد مختلف؛

قبله مسلمین در مساجد مختلف دلیل بر اعتبار ندارد لذا اگر از آن علم به جهت قبله پیدا نشد از باب یجزی التحرّی حجّت خواهد بود.

**ولی راجع به محراب و قبر معصوم علیه السلام محقق همدانی و مرحوم خویی فرموده اند که**؛ اگر احراز هم شود که محراب و قبر معصوم با تشخیص دقیق قبله اختلاف داشته است، اشکالی ندارد زیرا شاید امام نخواسته اند به علم غیب اعتماد کنند کما این که در تشخیص پاکی و نجسی و تشخیص مذکّی و میته بودن حیوان به همان علم عادی عمل می کردند و شاید در تشخیص قبله هم برای این که بر مسلمین سخت نشود به همان علم عادی عمل می کردند.

البته راجع به قبر أمیر المؤمنین علیه السلام بحث فرق می کند زیرا دفن حضرت در آن مکان غیر عادی بود و قبر را نوح پیامبر برای حضرت تهیه کرده بود «هذا ما حفره نوح النبی» و بعید است که بخواهند در تشخیص قبله نسبت به دفن حضرت، عادی برخورد کنند و این مقدار انحراف قبله را در نظر نگیرند مگر این که مثل مرحوم خویی بگوییم این مقدار انحراف قبله (حدود 20 درجه و یا کمتر در نجف قبله انحراف دارد) مضرّ نیست و تا 26 درجه انحراف از قبله، استقبال قبله صادق است.

و در مورد مسجد کوفه هم اختلاف است که چه مقدار انحراف از قبله دارد و ظاهراً در مسجد کوفه به اندازه 20 درجه انحراف دارد و مرحوم خویی فرموده اند که برخی گفته اند 12 درجه انحراف دارد و برخی گفته اند که 21 درجه انحراف دارد. البته در محراب مسجد کوفه اگر مقدار کمی به راست منحرف شویم قبله مراعات می شود.

به هر حال عمده استدبار جدی است که در روایات ذکر شده بود و مرحوم خویی فرمود این هم از أمارات ظنّی است زیرا روایات آن ضعیف است.

**یکی از أمارات قطعی غیر از این ابزار آلات جدید (مثل قبله نما و استفاده از اینترنت) این است که؛**

خورشید در دو روز از سال (7 خرداد و 23 تیر) بالای مکه قرار می گیرد یعنی خورشید مثل مکه 21 درجه و نیم بالای خط استواء قرار می گیرد؛ 7 خرداد که به درجه مکه یعنی 21 درجه نیم بالای خط استوا می رسد تا زمانی که خورشید به 23 درجه و نیم برسد که اوج خورشید و رأس السرطان است و از آنجا به همین مکان مکه برگردد، حدود 46 روز طول می کشد در نتیجه 23 تیر خورشید دوباره به همان جهت مکه بر می گردد. موقع ظهر که می شود خورشید دقیقاً بالای مکه قرار دارد لذا هر کس خورشید را در این زمان ببیند و رو به خورشید بایستد استقبال دقیق قبله محقّق می شود.

**مرحوم خویی فرموده اند:** در هر ماه دو مرتبه در نیمه شب مکه، ماه دقیقاً بالای کعبه قرار می گیرد. که از جهت علمی این مطلب برای ما ثابت نیست بلکه خلافش أقرب است و غیر از کلام مرحوم خویی در جایی دیگر ندیدیم و باید بیشتر بررسی شود.

**در آمریکا این دو أماره قطعی وجود ندارد**؛ نه خورشید هنگام ظهر مکه دیده می شود زیرا آنجا شب است و نه ماه نیمه شب مکه دیده می شود زیرا آنجا روز است و اگر هم بتوانیم به گونه ای تشخیص دهیم تأثیری در بحث سابق که در آمریکا متمایل به جنوب بایستیم یا متمایل به شمال بایستیم ندارد زیرا در هر صورت می تواند به سمت خورشید که بالای مکه قرار دارد، بایستد.

### بررسی استحباب تیاسر

راجع به استدبار جدی که أهل عراق و ایران استدبار جدی می کنند؛ اشکال شد که استدبار جدی به معنای ایستادن به سمت جنوب است و قبله عراق 20 درجه با جنوب انحراف دارد و در ایران این انحراف بیشتر است؛ مرحوم خویی فرموده تا 26 درجه عمداً هم انحراف اشکالی ندارد ولی ما این را قبول نکردیم ولی در حال جهل به جهت دقیق قبله، ادّعا کردیم که سیره وجود دارد و از خود روایات استدبار جدی نیز استفاده کردیم که این علامت دقیق نیست و لازم نیست به طور دقیق، قبله را تشخیص دهیم.

به نظر ما روایت استدبار جدی از محمد بن مسلم صحیحه است و این روایت را قبول داریم ولی این که فقهاء فرموده اند: «یستحب التیاسر لأهل العراق» ما این را نمی فهمیم زیرا اگر به طور دقیق رو به جنوب بایستیم یعنی به طور دقیق استدبار جدی کنیم یا در هنگام ظهر رو به خورشید قرار بگیریم و بخواهیم جهت دقیق قبله را مراعات کنیم باید 20 درجه به جهت غرب یعنی سمت راست منحرف شویم؛

**بحث این است که استحباب تیاسر به چه معنا است**؟؛ این که از راست به چپ متمایل شدن مستحب است یعنی چه و بر چه اساسی راست و چپ محاسبه می شود؟ اگر می گفتند یستحب التیامن مشکلی نبود و می فهمیدیم ولی تیاسر و معیار آن معلوم نیست؛ آیا تیاسیر به این معنا است که از جنوب به طرف چپ منحرف شویم؟ این چه ملاکی دارد و برای چه مستحب است؟؛ در دو روایت ضعیف وجهی گفته شده که صحیح نیست و این از علامات عدم صدور این دو روایت از معصوم است (که هر دو در کافی است و لذا کسانی که کافی را معتبر می دانند باید نسبت به معنای این روایت سخن بگویند)؛

#### روایت أول

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع لِمَ صَارَ الرَّجُلُ يَنْحَرِفُ فِي الصَّلَاةِ إِلَى الْيَسَارِ فَقَالَ لِأَنَّ لِلْكَعْبَةِ سِتَّةَ حُدُودٍ- أَرْبَعَةٌ مِنْهَا عَلَى يَسَارِكَ وَ اثْنَانِ مِنْهَا عَلَى يَمِينِكَ- فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ وَقَعَ التَّحْرِيفُ عَلَى الْيَسَارِ[1].

[[1]](#footnote-1)مراد از کعبه، حرم است زیرا کعبه مثل ضریح امام حسین علیه السلام نیست که شش گوشه داشته باشد؛ روایت می گوید حرم از سمت چپ کعبه دو برابر است نسبت به حرم از سمت راست کعبه. اگر روبروی رکن عراقی بایستید گویا از طرف عراق متوجّه کعبه شده اید (بعد از رکن حجر الأسود به طرف حجر اسماعیل، رکن عراقی قرار دارد و بعد رکن شامی و بعد رکن یمانی قرار دارد.) وقتی با رکن یمانی مواجه می شوید، منطقه حرم در سمت راست حدوداً نصف منطقه حرم در سمت چپ است.

#### روایت دوم

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ التَّحْرِيفِ لِأَصْحَابِنَا- ذَاتَ الْيَسَارِ عَنِ الْقِبْلَةِ وَ عَنِ السَّبَبِ فِيهِ- فَقَالَ إِنَّ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ لَمَّا أُنْزِلَ مِنَ الْجَنَّةِ- وَ وُضِعَ فِي مَوْضِعِهِ جُعِلَ أَنْصَابُ الْحَرَمِ- مِنْ حَيْثُ يَلْحَقُهُ النُّورُ نُورُ الْحَجَرِ- فَهِيَ عَنْ يَمِينِ الْكَعْبَةِ أَرْبَعَةُ أَمْيَالٍ- وَ عَنْ يَسَارِهَا ثَمَانِيَةُ أَمْيَالٍ كُلُّهُ اثْنَا عَشَرَ مِيلًا- فَإِذَا انْحَرَفَ الْإِنْسَانُ ذَاتَ الْيَمِينِ- خَرَجَ عَنْ حَدِّ الْقِبْلَةِ لِقِلَّةِ أَنْصَابِ الْحَرَمِ- وَ إِذَا انْحَرَفَ الْإِنْسَانُ ذَاتَ الْيَسَارِ- لَمْ يَكُنْ خَارِجاً مِنْ حَدِّ الْقِبْلَةِ.[2]

[[2]](#footnote-2)سند روایت به نظر آقای زنجانی تمام است زیرا هم مفضل بن عمر و هم محمد بن سنان را قبول دارد.

روایت می گوید منطقه یمین کعبه از حرم 4 میل در 4 میل است ولی منطقه یسار کعبه از حرم، 8 میل در 8 میل است اگر بخواهی به سمت راست منحرف شوی از حدّ قبله که حرم است می گذری و اگر به همین اندازه به سمت چپ منحرف شوی خطی که از شما مستقیم خارج می شود به حرم برخورد می کند.

**از نظر جغرافیایی هم این مطلب قابل تأیید است**؛ محیط حرم که تقریباً دائری است أدنی الحلّ است و کعبه وسط آن قرار ندارد بلکه موقعیت کعبه در محیط حرم به این شکل است که: تا حدیبیه 18 کیلومتر فاصله دارد و تا جعرانه که یکی دیگر از أدنی الحرم است 14 کیلومتر فاصله دارد و تا نمره (که سمت عرفات است) 22 کیلومتر فاصله دارد و تا تنعیم 7 کیلومتر فاصله دارد؛ یعنی اگر چهار گوشه برای أدنی الحلّ در نظر بگیریم 18 و 14 و 22 و 7 کیلومتر فاصله تا مکه به دست می آید و نمره که 22 کیلومتر است طرف چپ قرار دارد؛ روشن می شود که چرا طرف چپ حرم تقریباً دو برابر طرف راست حرم است.

**نسبت به این مطلب حرفی نیست؛ بحث این است که تیاسر عرفی که برای ما در ایران مستحب است یعنی چه**؟ چون ما از حرم خیلی دور هستیم 22 و 7 کیلومتر به حساب نمی آید و با تیاسر، مقدار زیادی از حرم منحرف می شویم. و همه فقهاء هم گفته اند که برای أهل عراق تیاسر مستحب است و لذا نمی توان توجیه کرد که برای برخی شهر های نزدیک مثل مدینه باشد.

و چرا تیاسر مستحب باشد؟؛ اگر مستقیم بایستیم یعنی 20 درجه متمایل به راست قرار بگیریم که عرفاً خط مستقیم از ما به خود کعبه برخورد می کند. و أصلاً هر کاری کنیم این مقدار انحراف مانع از صدق استقبال کعبه نیست و اگر مانع باشد با تیاسر مشکل حل نمی شود و لذا خدا خواجه نصیر الدین طوسی را رحمت کند که در درس به محقق حلی اشکال کرد و رساله ای هم نقل شده است که نوشت و محقق حلی نیز او را احترام می کرد و سعی کرد جواب دهد ولی ظاهراً قانع کننده نبود.

**نکته:** أصالة الصحه در نماز مردم، جهت قبله را مشخص نمی کند زیرا لوازم أصالة الصحه حجّت نیست.

## مسأله 2 (تحصیل ظنّ أقوی)

عند عدم إمكان تحصيل العلم بالقبلة يجب الاجتهاد في تحصيل الظن‌ و لا يجوز الاكتفاء بالظن الضعيف مع إمكان القوي كما لا يجوز الاكتفاء به مع إمكان الأقوى و لا فرق بين أسباب حصول الظن فالمدار على الأقوى فالأقوى سواء حصل من الأمارات المذكورة أو من غيرها و لو من قول فاسق بل و لو كافر فلو أخبر عدل و لم يحصل الظن بقوله و أخبر‌ فاسق أو كافر بخلافه و حصل منه الظن من جهة كونه من أهل الخبرة يعمل به‌

روایات می گویند: «یجزی التحرّی» و تحرّی یعنی تحصیل أحری و تحصیل ظنّ بهتر؛ لذا تا ظنّ قوی ممکن است نمی توان سراغ ظنّ ضعیف رفت.

به نظر ما ظنّ باید عقلایی باشد و ظنّ ناشی از مناشئ غیر عقلایی، با امکان ظنّ ناشی از مناشئ عقلایی، دلیلی بر اعتبار ندارد؛ مثلاً از طریق رمّال ها یا خواب به ظنّ برسد و أمارات عقلایی را رها کند.

**این فرمایش صاحب عروه (که ملاک، ظنّ قوی است و فرقی ندارد ظنّ از خبر عادل باشد یا خبر فاسق) مبتنی بر این نظر است که**؛ خبر ثقه در موضوعات حجّت نیست که حجیّت خبر ثقه در موضوعات برای ما هم روشن نیست و احتیاط می کنیم. (و خود صاحب عروه هم در عدم حجّیت خبر عدل احتیاط می کند و نمی دانیم چرا اینجا احتیاط نکرده است که مقتضای احتیاط این است که نماز بخواند به جهتی که ثقه می گوید و جهتی که ظنّ أقوی به آن دارد) ولی مثل مرحوم خویی که خبر ثقه را در موضوعات حجّت می داند دیگر با خبر عدل نوبت به خبر فاسق نمی رسد ولو خبر فاسق ظنّ آور باشد و خبر عادل ظنّ آور نباشد.

نکته: نسبت به حجیّت خبر ثقه در موضوعات شبهه حکمیه داریم لذا این مطلب باعث نمی شود که اگر ثقه به جهت قبله خبر دهد متحیّر باشیم و احکام متحیّر را جاری کنیم؛ بلکه شبهه حکمیه است و احتمال می دهیم که خبر ثقه حجّت باشد و لذا احتیاط می کنیم.

## مسأله 3 (جواز تحصیل ظنّ برای أعمی)

لا فرق في وجوب الاجتهاد بين الأعمى و البصير‌ غاية الأمر أن اجتهاد الأعمى هو الرجوع إلى الغير في بيان الأمارات أو في تعيين القبلة‌

شخص أعمی برای استدبار جدی نیاز به کمک از دیگران دارد؛ البته برخی از نابینایان زیرک اند و با دست کشیدن به محراب مسجد، جهت قبله را می فهمد و تحصیل ظنّ می کند و نماز می خواند. لذا اگر تحرّی و تحصیل ظنّ جایز باشد برای أعمی هم جایز است و أدله اطلاق دارد «یجزی التحرّی» و لذا این که گفته اند برای أعمی تحرّی جایز نیست و باید به چهار سمت نماز بخواند صحیح نیست.

## مسأله 4 (عدم اعتبار قول صاحب منزل در بحث قبله)

لا يعتبر إخبار صاحب المنزل إذا لم يفد الظن‌ و لا يكتفى بالظن الحاصل من قوله إذا أمكن تحصيل الأقوى

قول صاحب منزل در تشخیص قبله حجّت نیست لذا اگر امکان تحصیل علم وجود دارد باید تحصیل علم شود و اگر امکان تحصیل علم نیست ظنّ أقوی به قبله مهم است که صاحب منزل هم می تواند در ایجاد ظنّ مؤثّر باشد، ولی صرف این که صاحب منزل بگوید که قبله به این طرف است اعتباری ندارد.

**نسبت به قول ذوالید دو مبنا وجود دارد**؛ یک مبنا این است که همان که سیره عملیه در زمان أئمه بر آن بوده است حجّت است: اخبار از طهارت و نجاست (قول امام ره، مرحوم خویی، مرحوم استاد). قول دوم این است که اخبار ذوالید در اموری که در ید اوست حجّت است مثل این که خبر دهد آب حوض یا آب منبع، کر است که هر چند ثقه هم نیست و وثوق ندرایم ولی حجّت است. مرحوم صدر می فرمود که ارتکاز عقلاء بر این بوده است که قول ذوالید نسبت به چیزی که در دست او است مقبول است و سیره عملیه معلوم نیست زیرا محل ابتلای نوع مردم نبوده است و در خانه آب کر نداشته اند ولی ارتکاز فرق نمی گذاشت بین این که ذوالید از طهارت و نجاست یک شیء خبر دهد یا از کریّت آب منبع خبر دهد.

أما چه بنا بر قول أول که مضیّق است (و تنها در خصوص سیره عملیه در باب نجاست و طهارت قول ذو الید را حجّت می داند) و چه بنا بر قول مرحوم صدر که موسّع است (که به خاطر ارتکاز نسبت به اموری که در ید شخص باشد جاری می داند)؛ به هر حال نسبت به تشخیص قبله یدی وجود ندارد و تشخیص قبله و این که قبله به این جهت است یا در جهت دیگر قرار دارد، در ید صاحب منزل نیست تا با ملاک ذوالید بودن بخواهیم قول او را حجّت کنیم.

## مسأله 5 (اختلاف اجتهاد با علامات)

إذا كان اجتهاده مخالفا لقبلة بلد المسلمين في محاريبهم و مذابحهم و قبورهم‌ فالأحوط تكرار الصلاة إلا إذا علم بكونها مبنية على الغلط‌

**صاحب عروه فرموده است**: گاهی اجتهاد انسان به سمتی می رود ولی قبله بلد المسلمین فرق می کند که أحوط تکرار نماز به این دو سمت است مگر این که بدانیم این ها اشتباه کرده اند.

**و لکن این مطلب صحیح نیست؛** زیرا قبله بلد المسلمین اعتبار شرعی ندارد و از باب تحصیل ظنّ است؛ که در خصوص محراب ظنّ حاصل می شود و نیز در مورد مذبح بنا بر نظر شیعه، ولی بنا بر نظر أهل سنت که ذبح به سمت قبله را لازم نمی دانند از مذبح آنان ظنّ به جهت قبله پیدا نمی شود. و راجع به قبور نیز همه مسلمین قائل نیستند که بدن باید به سمت قبله باشد. بله در بلادی که قائلند، جهت قبر أماره ظنّی می شود. ولی به هر حال أماره شرعی نیست و صرفاً از باب تحصیل ظنّ است که در تحرّی و تحصیل ظنّ مدّ نظر قرار می گیرد ولی در نهایت ظنّ أقوی هر چه باشد همان معتبر خواهد بود و دیگر احتیاط با تکرار نماز معنا ندارد.

و بحث در این نیست که ابتدا نماز خواند بعد فهمید که جهت محراب و أمثال آن فرق می کند، بلکه از ابتدا دچار این اضطراب شده است.

1. [1] [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص305، أبواب القبله، باب4، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/305/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%AD%D8%B1%DB%8C%D9%81) [↑](#footnote-ref-1)
2. [2] [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص305، أبواب القبله، باب4، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/305/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%AD%D8%B1%DB%8C%D9%81) [↑](#footnote-ref-2)